

ممکن است چنین به نظر برسد که پرداختن به کار نسخه‌نویس (کاتب)، در چارچوب پیش درآمدی بر نسخه‌شناسی دست‌نوشته‌های عربی-اسلامی، امری بیهوده و واهی است. در وهله نخست باید اذعان داشت که این جنبه از ساخت کتاب همیشه در محصول نهایی، یعنی در خود کتاب منظور و محسوس نیست، زیرا پاره‌ای از پرسشهای اساسی از حمله هویت شخص گیرنده نسخه و همچنین محل و مدت کار و غیره اغلب بی‌جواب می‌ماند. از سوی دیگر، برخی از اطلاعاتی که پاسخگوی تعدادی از این پرسش‌ها هستند از منابع ادبی و گاه به طور اتفاقی از اسناد بایگانی برگرفته می‌شوند. این اطلاعات باید به منظور بررسی صحت و سقمشان با اصل دست‌نوشته‌ها مقابله شوند. مهم‌تر از اینها این است که انجامه‌ها، که در حقیقت به طور بالقوه منبع و مرجعی قاطع و انکارناپذیر در این زمینه محسوب می‌شوند، بایست جداگانه مورد بررسی قرار گیرند و این کاری است که کمی بعد به آن خواهیم پرداخت. با این همه، بهتر آن می‌بینیم که توجه پژوهشگران را به اهمیت این مسأله در چشم‌اندازی وسیع‌تر، یعنی گستره تاریخ کتاب در جهان اسلام جلب کنیم. در نتیجه، هدف این مبحث صرفاً شناساندن پاره‌ای از خط سیرهای موجود و ممکن بر سر راه تحقیقات است.

## چگونگی کار هنرمندان کتاب‌پرداز

مترجم: آذین حسین‌زاده\*

چکیده: چگونگی عملکرد نسخه‌بردار و شرح وظایف او از جمله مسائلی است که تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در دنیای کتاب‌پردازی، نسخه‌برداری به دو گونه متمایز، حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای رواج داشته است. اینکه شخص نسخه‌بردار که بوده به چه ترتیب، در چه شرایطی و همچنین در چه مکانی به کار مشغول می‌شده است از زمره پرسش‌هایی است که در این مبحث بدان پرداخته شده است. در نسخه‌های موجود، گاه به شرایط کار نسخه‌برداران نیز اشاره شده است. تردیدی نیست که کتابخانه‌های بزرگ و همچنین مؤسسات آموزشی، نسخه‌بردارانی را به صورت تمام وقت به کار می‌گماردند. از دیگر مکان‌هایی که نسخه‌برداران در آن به کار اشتغال داشتند، می‌توان مساجد و نهادهای وقفی را نام برد.

سرعت کار نسخه‌برداری در میان نسخه‌برداران متفاوت بوده است و گاه پیش می‌آمده است که کار نسخه‌برداری، به جای آنکه انفرادی باشد، به صورت گروهی به انجام برسد. طبیعی است که این کار، خواه انفرادی، خواه دسته جمعی، نمی‌توانسته خالی از اشکال باشد. نسخه‌برداران در صنعت کتاب‌پردازی از تذهیب‌گران و همچنین نقاشان نیز یاری می‌جستند. ثمره این همکاری دسته جمعی در نهایت به صحاف تحویل داده می‌شد که در حقیقت آخرین حلقه زنجیر صنعت کتاب‌پردازی محسوب می‌شود.

کلیدواژه: نسخه‌شناسی؛ کتاب‌آرایی؛ کتابت؛ انجامه؛ نسخه‌برداری؛ نوشتارخانه.

✓ مشخصات مقاله چنین است:  
François Déroche, (éd.), «le travail des artisans du livre», *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe*. Paris, Bibliothèque nationale de France, 2000, pp. 198-218.

\* دکترای ادبیات تطبیقی؛ استادیار دانشگاه الزهراء (س)

## هویت نسخه‌نویسان

این مردان و گاه زنانی<sup>۱</sup> که تا این اندازه وقت و حوصله صرف فعالیتی جانکاه همچون نسخه برداری از دستنوشته‌ها کرده‌اند کیستند؟ انجامه‌ها عموماً بسیار موجز و مختصرند، به نحوی که اگر در آنها نام شخصیتی که به واسطه منابع دیگر شناخته شده است قید نشده باشد - مانند نویسندگان و دانشمندان و پزشکان و دیگران - دستیابی به هویت شخصی که متن را رونویسی کرده بسیار دشوار است. به دلیل نبود فهرست نسخه‌های تاریخ‌دار همراه با نمایه‌های منظم و دقیق، و همچنین به علت فقدان فهرستی از اسامی نسخه‌نویسان، بازسازی اثر یا مراحل کار تک تک این نسخه‌برداران هدفی است که فعلاً دستیابی بدان بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد.<sup>۲</sup>

## کاتبان حرفه‌ای

جایگاه برجسته‌ای که هنر خطاطی در جهان اسلام دارد طبعاً ما را وادار می‌دارد تا در وهله نخست، به خوشنویسان بپردازیم؛ زیرا اینان قبل از هر چیز از گروه نسخه‌نویسان صرف متمایز هستند. شرح حال خوشنویسان معمولاً در کتاب‌هایی که به هنر<sup>۳</sup> خوشنویسی اختصاص دارند به نحوی مختصر ذکر شده است، و برای آثارشان اهمیت خاص قائل شده‌اند. چنان که از انجامه‌های دو قرآن موجود در کتابخانه ملی فرانسه بر می‌آید (مخزن عربی شماره‌های ۶۰۸۲ و ۶۷۱۶) این دو قرآن به دست خوشنویس معروف، یاقوت مستعصمی<sup>۴</sup> نسخه برداری شده است. هر دو نسخه دارای یادداشت‌هایی است حاکی از احترام فراوانی

که در آن دوره خوشنویسان از آن برخوردار بوده‌اند هر چند که نسخه شماره ۶۰۸۲ مجعول است.

با وجود این، نسخه‌شناس، بی آن که وارد بحث جعلی بودن این دو نسخه و جعلیات مربوط به آنها شود، رو در روی پرسشی دشوار قرار می‌گیرد: این که آیا باید این گونه نسخه‌ها را در گروهی خاص جای داد؟ در این صورت چگونه خواهد توانست هویت این خوشنویسان را تعیین کند؟ برخی از آنان صریحاً مدعی چنین خصیصه‌ای هستند؛ مثلاً نسخه‌ای از کلبه و دهنه مورخ ۶۶۱ هـ / ۱۲۶۲ م. دارای امضای شخصی به نام محمد بن محمد بن عمر بن الکمال "الخطاط" است.<sup>۵</sup> همان گونه که پیش از این متذکر شدیم، از دوره‌ای معین به بعد، کتاب‌های تخصصی به برشماری این هنرمندان می‌پردازند، و اصل نظام آموزشی نیز که از روی نظام آموزشی علوم دینی گرفته برداری است، اصل "اجازه" را که مترادف داشتن مدرک خوشنویسی است، پذیرفته است.<sup>۶</sup> این منابع امکان شناسایی هنرمندان خطاط را فراهم می‌آورد، اما تمام جهان اسلام را در بر نمی‌گیرند، زیرا که این کار، در واقع، فعالیتی است نسبتاً تازه که در همه مناطق به یک اندازه رایج نبوده است. چه تعداد از نسخه‌های خطی قدیمی که در نمایشگاهها عرضه شده است، یا کتاب‌های ویژه هنر خوشنویسی، دارای انجامه‌ای است که به کمک آن بتوان به هویت نسخه برداری پی برد که نامش تاکنون در یادداشت‌های مربوط به شرح حال نسخه‌نویسان قید نشده است؟ در این صورت آیا باید پنداشت که چنین شخصی خوشنویس نیست؟

۱. از این گروه، زنان خوشنویس بیشتر توجه محققان را به خود جلب کرده‌اند. نک: ز. م. عباس، "نساء خطاط" در المورده، ۱۵/۴، ۱۹۸۶، ص ۱۴۱-۱۴۸؛ ص. المنجد؛

۲. "Women's roles in the art of Arabic calligraphy" in *The book in the Islamic world*, p. 141-148.

۳. فرانسیس ریشار/F. Richard موفق شده است در بسیاری از موارد یک نسخه بردار واحد را در چندین دست‌نویس بیابد. پاریس، ۱۹۹۷.

۴. در میان آثار متعددی که به این هنر اختصاص یافته‌اند می‌توان به نام‌های زیر اشاره کرد: مستقیم زاده (تحفة الخطاطین، ویراسته م. ک. اینال، استانبول، ۱۹۲۸)؛ قاضی احمد؛ *Calligraphers and painters. A treatise by Qādī Ahmad, son of Mir-Munshī (ca A. H. 1015/ A. D. 1606).*

ترجمه و. مینورسکی/V. Minorsky، واشنگتن، ۱۹۵۹؛ یا زیندی، حکمة الاشراف، تصحیح، ع. س. هارون، قاهره، ۱۳۷۳/۱۹۵۴.

۵. نسخه پاریس، کتابخانه ملی فرانسه، عربی، ۶۰۸۲ و ۶۷۱۶؛ (F. Déroche, *Cat. I/2* p. 92-93, n° 458, et p. 122, n° 523 et pl. XXVI A).

در مورد یاقوت نک: د. جیمز/D. James (The master scribes, p. 58, 59);

و همچنین به "Yāqūt Musta'simī" *Islām Ansiklopedisi* (جلد ۱۳، ص ۳۵۲-۳۵۷).

۶. نسخه ژنو، ب. بودمر/B. Bodmer، نسخه ۵۲۷، FIMMOD، ۱۷۴.

او. درمان/U. Derman؛

"Türk yazı san'atında icazetnâmeler ve teklid yazılar" VII. *Türk tarih kongresi* II, [T. T. K. yay. IX/7 a, Ankara, 1973, p. 716-728];

ف. دروش/F. Déroche، "Maîtres et disciples: la transmission de la culture calligraphique dans le monde ottoman"؛

انتقال فرهنگ خوشنویسی در جهان عثمانی/REMMM، ص ۷۵-۷۶، ۱۹۹۵، ص ۸۵-۸۷ م. ع. کریم زاده تبریزی،

*Ijazat nameh, Icâzet name, The most Unique and precious source on Ottoman calligraphy*, Londres, 1999.



خودش آنها را استساخت می کرده است؛ تصدیق این حرف آسان نیست.<sup>۱۱</sup> چنین می نماید که در مشاغل مربوط به کتاب قاعده رایج چند کارگی بوده است،<sup>۱۲</sup> مثلاً نسخه‌هایی وجود دارد که در انجامه‌های آنها نسخه‌برداران خود را وراق نامیده‌اند؛ قرآن معروف به "دایه"<sup>۱۳</sup> (۴۱۰ هـ/۱۰۱۹-۱۰۲۰ م.) و قرآن مشهد، (استان قدس، شماره ۴۳۱۶) (مورخ ۵۴۶۶ هـ/۱۰۷۳-۱۰۷۴ م.)<sup>۱۴</sup> از این جمله است. "جزئیات کار علی بن احمد و عثمان بن حسین به تفصیل در این متن شرح داده شده است. هر دو کاتب متن را نسخه‌برداری، علامت‌گذاری و تذهیب و سرانجام صحافی کرده‌اند. آیا ویژگی وراق این بوده است که بر همه ریزه‌کاری‌های مربوط به روند تولید کتاب تسلط داشته باشد؟ ممکن است چنین قابلیت در دوره‌ای قدیم تر مورد توجه بوده باشد. کمی بیش از یک قرن پس از تاریخ تحریر آن دو نمونه که ذکر شد، یعنی در پایان قرن ششم/دوازدهم، راوندی نویسنده "راحة الصدور که خوشنویس نیز بود، نوشته است که: «نوشتن ۷۰ نوع خط را فرا گرفته بوده و به کار نسخه‌برداری از قرآن و همچنین تذهیب و صحافی کتب پرداخته بوده و در این هنرها مهارت تمام داشته است»<sup>۱۵</sup> کاتب نسخه موجود

به این ترتیب، بیهوده است که برای این دسته افراد، گروهی متمایز و جدا ابداع کنیم: همان گونه که پیش از این رودولف زلهایم/Rudolf Sellheim<sup>۱۶</sup> پیشنهاد کرده بود، شایسته تر آن است که خوشنویسان را در مجموعه گسترده نسخه برداران حرفه‌ای بگنجانیم که در مورد آنان اطلاعاتی گردآورده ایم، تا تنوع شرایط آنان نشان داده شود. در یکی از کتاب‌های تاریخ شهر قرطبه که مقارن حکومت امویان اسپانیا نوشته شده است، نویسنده گزارش داده است که تنها در حاشیه شرقی شهر «۱۷۰ زن سرگرم نسخه‌برداری از قرآن به خط کوفی بوده‌اند».<sup>۱۷</sup> می‌توان نتیجه گرفت که این افراد از طریق نسخه برداری از روی کتاب‌ها امرا را معاش می‌کردند. در دوره‌های گذشته سیمای آشنایی وجود داشته است که به او "وراق" می‌گفتند. هر چند که گاهی جای دادن چنین شخصیت چندکاره و چند وجهی‌ای در دسته‌ای مشخص دشوار است. یوهانس پدرسین/Johannes Pedersen چندین حکایت گردآورده است که در آنها وراق در شرایطی ظاهر می‌شود که گاه یادآور نقش ناشر در دوران معاصر است.<sup>۱۸</sup> بدین معنی که مغازه‌ای دارد و کتاب می‌فروشد. آیا

۱. ر. زلهایم/R. Sellheim در فهرست شماره ۲ از کتاب *Materialien*، عنوان خوشنویسی و "حرفه‌ای رادزیر گروهی مشترک به نام "Ductus" قرار می‌دهد (ص ۴۱).  
 ۲. ابن فیاض، که ژ. ریبیرا/J. Ribera در مقاله‌ای با عنوان "Bibliófilos y bibliotecas en la España musulmana" در کتاب *opúsculos*، جلد ۱، مادرید، ۱۹۲۸، ص ۱۹۹ به نام او اشاره کرده است.  
 ۳. در *The Arabic book*، ص ۴۳.  
 ۴. سدان/J. Sadan در میان مدارک چیزه در قاهره به فهرستی از مایملک یک نسخه‌بردار یهودی دسترسی پیدا کرده که به ما امکان می‌دهد تا دریابیم که نسخه بردار حرفه‌ای در قرن هفتم/سیزدهم چه ابزار و آلاتی داشته است. نک: "Nouveaux documents sur scribes et copistes", *REI*, 45/ 1977, pp. 41-56.  
 ۵. در مورد صحافی نیز این مطلب می‌تواند مصداق داشته باشد. نک: ایو پورتر/ *Peinture et art du livre*, Y. Porter، ص ۱۷۰. در صفحات بعد با صحافی آشنا خواهیم شد که نسخه‌بردار نیز هست.  
 ۶. این نسخه از مخزن مسجد جامع قیروان خریداری شده است (نک: ب. روی/B. Roy و پ. پوانسو/P. Poinssot, *Inscriptions arabes de Kairouan*، پاریس، ۱۹۵۰، ص ۲۷-۳۲ و تصویرهای ۷ و ۸). انجامه اثر شخص نسخه‌بردار نیست، بلکه کار بانویی است به نام "ذره" که سمت منشی‌گری داشته است. به نظر می‌رسد که بسیاری از نهادهای تونسسی عواملی از این دست را دارا باشند. به عنوان مثال مرکز هنر اسلامی رقاده/Rakkada نزدیک قیروان برگه‌هایی در این مورد دارد (نک: پاریس، ۱۹۸۳، ص ۲۷۳. ش ۳۵۶، پاریس، ۱۹۹۵، ص ۹). این نکته در مورد موزه باردو/Bardo در تونس (فهرست ۲۷۷؛ نک: پاریس، ۱۹۸۳، ص ۲۷۳. ش ۳۵۷) و همچنین کتابخانه ملی (نسخه رتبی ۱۳، نک: م. لینگز/M. Lings، وی. ۵۰. صدقی، لندن، ۱۹۷۶، ص ۳۰، ش ۲۶) نیز صادق است.  
 ۷. احمد گلچین معانی، "شاهکارهای هنری شگفت‌انگیز از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت‌آور آن"، در: هنر و مردم، ۱۵۷، ۱۳۵۴/۱۹۷۶، ص ۲۵-۶۵ و همچنین راهنمای گنجینه قرآن، مشهد، ۱۳۳۷/۱۹۶۹، ص ۴۹، ش ۲۱. همین کتاب احتمالاً نسخه استانبول، ش ۲۰۹، TKS E. H. رازونویسی کرده است (نک: ا. فواد سید، المخطوطه، تصویر ۷، کمی بیش تر، نسخه رونویسی شده دیگری در همین منطقه، یعنی نسخه ۲۷۳، BRU Or. ۴۷۳، لیون، امضای وراقی به نام ابوبکر محمد بن ابی رافع را در پایان دارد (نک: *Catalogus codicum orientaliu bibliotheca*، de Jong et M. J. de Goeje، *Academia Lugduno Batavorum*، جلد ۴، لیون، ۱۸۶۶، ص ۱۰۶۰، ش ۱۷۳۵؛ و نیز: Voorhoeve, *Handlist of Arabic manuscripts in the Library of the University of Leiden and other collections in the Netherlands* 2<sup>e</sup> éd., La Haye/ Boston/ Londres, 1980, p. 162; IV).  
 ۸. س. م. سترن/S. M. Stern، "A manuscript from the library of the Ghaznawid Amir 'Abd al-Rashid" در: *Wilson-Pinder - Painting from Islamic lands* / آکسفورد، ۱۹۶۹، ص ۱۲ و تصویر ۸ (در متن مزبور، نام به گونه‌ای ناقص درج شده است). عواملی که بیشتر ریشه در مآخذ ادبی دارند به کوشش ح. زریات (الوراقه و صناعة الكتابة و المعجم السنن، ص ۷۰-۴۰) گردآوری شده‌اند.  
 ۹. در پایین نسخه‌ای دیگر از قرآن رقم عثمان بن حسین وراق دیده می‌شود. نک: ف. دروش، *Une reliure du V<sup>e</sup>/XI<sup>e</sup> siècle* نمونه‌ای از صحافی قرن ۵ هـ/۱۱ م.، NMMO، جلد ۴، جزء ۱، ۱۹۹۵، ص ۴-۵. و طرح ۱. در این جا گویا مسأله همنامی مطرح است، اما نباید فراموش کرد که ممکن است این امضا به جهت بخشیدن ارج و قرب بیشتر به دست نوشته صورت گرفته باشد.  
 ۱۵. D. Meneghini Correale, "Il capitolo sulla scrittura nel Rihāt al-sudūr di Muhammad ibn 'Alī ibn Sulaymān al-Rāwandī", in *Annali di Ca'Fascari* 33/3, Série orientale, 25, 1994, p. 231.

در کتابخانه مک گیل (91 ISL) در مونترال، مورخ ۹۶۷ هـ. / ۱۵۶۰ م. بر خلاف پیشینیانش در همه این هنرها مهارت نداشت اما تذهیب‌گر بوده است.<sup>۱۶</sup> نسخی که در سال ۶۷۲ هـ. / ۱۲۷۴ م. نسخه موجود در کتابخانه موزه لندن (Add. 25026 BL) را رقم زده، آیا در مقایسه با وراق‌هایی که ذکرشان رفت مهارت کمتری می‌داشته است؟ منابع موجود حکایت از آن دارد که نسخه برداران حرفه‌ای در بازار مستقر بودند؛ البته هنگامی که برای نامیدن آنها از لفظ "وراق" استفاده می‌شود، تشخیص این که این افراد نسخه بردار بوده‌اند یا کتابفروش چندان آسان نیست.<sup>۱۸</sup> در اوایل قرن یازدهم / هفدهم در آسیای میانه محل فعالیت آنان در بازار بود.<sup>۱۹</sup> گاهی از اوقات انجامه‌ها ما را با مشاغل دیگر مربوط به کتاب آشنا می‌کند. مثلاً کاتب دست‌نوشته موجود در کتابخانه لندن (Add. 7214) خود را مذهب می‌نامد.<sup>۲۰</sup> نسخه بردار نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس، مخزن تکمله فارسی، شماره ۱۴۱۱ و ۱۵۲۸ مردی به نام درویش محمود، خود را نقاش وصف می‌کند و به گفته خودش هم کتاب را استنساخ کرده و هم تصاویر دو جلد آن را ترسیم کرده است.<sup>۲۱</sup> "کاتب"، که یکی دیگر از دست‌اندرکاران حرفه کتاب است، گاه از چارچوب وظایف خود فراتر رفته به نسخه برداری از متون نیز اقدام می‌کند. در سال ۵۶۲ هـ. / ۱۱۶۷ م. شخصی به اسم علی بن جعفر بن اسد الکاتب به سفارش ابوالقاسم محمود بن زنگی مجلیدی از قرآن را به منظور وقف نسخه برداری کرده است.<sup>۲۲</sup> اندکی بعد، کاتبی به اسم امیر حاج بن آقسنقر قونیوی نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس (تکمله فارسی، شماره ۱۴۴۷) را کتابت کرده است.<sup>۲۳</sup> این فرد با خوشنویسی که کلیده و دمنه را

کتابت کرده و در سطور پیشین به او اشاره شد تقریباً همعصر بود. دست‌نوشته موجود در کتابخانه ملی پاریس (تکمله فارسی، شماره ۲۱۰۵) که نگارش آن در تاریخ ۱۱۶۷ هـ. / ۱۷۵۴ م. پایان یافته، به دست حافظ ابراهیم، کاتب توپچی‌های قلعه قنه [یا حصن الغراب / La Canne] کتابت شده است. به این نام‌ها باید نام سیدی محمد المنشی را بیفزاییم که چندین نسخه را با اسلوبی بسیار نزدیک به خطوط دیوانی آق قویونلوها استنساخ کرده است.<sup>۲۴</sup> در هر حال همه این افراد پیرو مکتب ابن مقله بوده‌اند. دیوانخانه‌ها این امکان را برای خوشنویسان فراهم می‌آوردند که در حمایت شاهزادگان و درباریان به حرفه خویش مشغول باشند. البته گاهی ناچار می‌شدند که بنابر مقتضیات در امور اداری یا کتابداری نیز انجام وظیفه کنند.<sup>۲۵</sup> عبدالقادر شکری در نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس (عربی، شماره ۶۹۹۷) به سمت استادی خود در خوشنویسی در باب عالی اشاره کرده است.<sup>۲۶</sup>

#### دانشمندان و نسخه‌نویسان غیر حرفه‌ای

یاقوت حموی از این راه امرار معاش می‌کرد<sup>۲۷</sup>، و پیش از او یحیی بن عدی فیلسوف، همین حرفه را در پیش گرفته بود.<sup>۲۸</sup> دانشمندان و همچنین دانشمندان برای کسب دستمزد از روی کتاب‌ها نسخه برداری می‌کردند. گاهی اوقات نسخه برداری از کتاب‌ها مرحله‌ای از مراحل تحصیل محسوب می‌شد؛ این کار نه تنها به آنان امکان می‌داد تا به متون مورد نیاز دسترسی بیابند، بلکه جزئی از روند انتقال دانش را نیز تشکیل می‌داد. گواه این امر تأییدیه‌هایی است که گهگاه از حیث قرائت و استماع در متون لحاظ می‌شده است.<sup>۲۹</sup>

16. A. Gacek, *Arabic manuscripts in the libraries of McGill University, Union catalogue* [Fontanus monograph series, 1], Montréal, 1991, p. 227, n° 253/ 1.

17. FIMMOD 157.

۱۸. نک: ح. زیات، همان، ص ۳۴-۳۵.  
۱۹. م. زویه / M. Zuppe، «باسوادها، رؤسا، کتاب‌فروشان، سهم مجموعه‌های زندگینامه‌ای در نقش کتاب در آسیای میانه قرون شانزدهم و هفدهم»، در: Cahiers d'Asie centrale، جلد ۷، ۱۹۹۹، ص ۱۰۹.

20. FIMMOD 163.

۲۱. فرانسویس ریشار، همان، ص ۱۱۵، ش ۷۷.

۲۲. نسخه ریچموند / Richmond، مجموعه کر، ش VII، ۳ و ۴؛ ب. رابینسون / B. Robinson و دیگران، در:

*Islamic painting and the arts of the book*, p. 287-288.

23. FIMMOD 1.

۲۴. فرانسویس ریشار، "Dīwānī ou ta'Ilq" (دیوانی یا تعلیق)، در *Ms du MO*، ص ۸۹-۹۳.

۲۵. ژ. م. راجرز / M. Rogers، برلن، ۱۹۸۸، ص ۷۳-۷۴.

۲۶. ف. دروش، فهرست، ۱/۲، ص ۱۱۴، ش ۵۰۸ و طرح XXIVA.

۲۷. ابن خلکان، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تصحیح ا. عباس، بیروت، بدون تاریخ، جلد ۶، ص ۱۲۷.

۲۸. ابن فیلسوف عرب مسیحی به روایتی دو مرتبه تفسیر عظیم طبری را بازنویسی کرده است. نک: J. Pedersen, *The Arabic Book*, p. 43.

۲۹. نک: صفحات بعد و همچنین پدرسین، همان، ص ۳۲-۳۳، ش ۳۴.

### اطلاعاتی که جنبه شخصی دارد

به ندرت اتفاق می‌افتد که انجامه‌ها در دست‌نوشته‌های عربی اسلامی اطلاعاتی در باره شخص نسخه بردار یا در مورد شرایط کار او در اختیار قرار دهند. گاهی انجامه نکته‌ای را در باب زندگی نسخه بردار آشکار می‌کند. مثلاً در نسخه موجود در کتابخانه برلن (SB or.4794)، نسخه بردار می‌گوید که پدرش خطیب مسجد احمدپاشا بوده است.<sup>۳۳</sup> در نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس (عربی، شماره ۱۶۱۲) نسخه بردار امام و خطیب مسجد قناتشهری در مصر بر کناره نیل اهم بوده است.<sup>۳۴</sup> اطلاعات موجود در نسخه اولیه یعنی نسخه اصل معمولاً ارزش زیادی برای نسخه‌نویسان داشته است. همانند آنچه در نسخه‌های کتابخانه کوپرولو در استانبول (شماره‌های ۹۴۹ و ۹۵۶) مشاهده می‌شود.<sup>۳۵</sup> گه‌گاه نیز دیده شده است که اطلاعات خصوصی تری از قلم نسخه بردار تراوش می‌کند. ماکس ویس وایلبر/Max Weisweiler در نسخه‌های عربی<sup>۳۶</sup> و آنجلو میکله پی‌یه مونتسه/Piemontese Angelo-Michele در نسخه‌های فارسی<sup>۳۷</sup> با ابیاتی برخورد کرده‌اند که در آنها احساسات و عواطف معمولی نسخه بردار منعکس شده است، مواردی از قبیل تقوا، یا استمداد از خواننده در جهت برانگیختن او به ترجم یا نادیده انگاشتن لغزش‌های احتمالی. انجامه‌های نسخه‌های عربی مسیحی در مقایسه با مواردی که ذکر شد حاوی اطلاعات گسترده تری است. همان‌گونه که ژرار ترویو/Grard Troupeau متذکر می‌شود، درست است که در این گونه انجامه‌ها اشاره به مکان نسخه برداری بیشتر رایج است، اما آنچه غالباً مشاهده می‌شود شکسته نفسی‌های نسخه بردار و همچنین طلب عفو از خواننده است. مواردی که ذکر شد این نسخه‌ها را از حیث انجامه در ردیفی متفاوت با آنچه در مورد نسخه‌های عربی اسلامی دیدیم قرار می‌دهد.<sup>۳۷</sup>

بر حسب موارد، شکل پایانی دست‌نوشته می‌توانسته کاملاً متفاوت باشد. در واقع، نسخه برداری برای شخص ثالث باید با خط خوانا صورت می‌گرفت، حال آن‌که نسخه بردار اگر برای خود نسخه برداری می‌کرد، خوب می‌دانست که به راحتی قادر به خواندن دست‌خط خود خواهد بود. پاره‌ای از معیارهای بیرونی همچون نحوه ترتیب خطوط یا صفحه بندی می‌تواند در صورت لزوم به نوبه خود اطلاعاتی در این زمینه در اختیار ما قرار دهد. بدیهی است که در تحلیل این اطلاعات باید با احتیاط عمل کرد. گاهی اوقات انجامه کتاب می‌تواند مفید باشد. در این گونه موارد نسخه بردار تأکید می‌کند که کار نسخه برداری را برای خود «لنفسه» انجام داده است.<sup>۳۸</sup> البته نباید تصور کرد که در هر کتابی که نسخه بردار برای خود رونویسی کرده است حتماً سهل انگاری وجود دارد. در مواردی نیز افراد غیر حرفه‌ای نسخه بردار می‌شوند. این امر مخصوصاً در مورد متون مذهبی از قبیل قرآن و کتاب‌های دعا دیده می‌شود. همان‌گونه که شادمان و حیدوف و افتدیل ارکینوف در مورد آسیای میانه در اواخر قرن سیزدهم/نوزدهم متذکر می‌شوند، بسیاری از آنها که برای صدر ضیاء/Sadr-i Zīyā کار کرده‌اند از دوستانش بوده‌اند: «فردی قاضی یا مفتی یا مدرس و هر شخص دیگر که خط خوش داشت می‌توانست به نسخه برداری از روی کتاب‌ها پردازد، خواه به سفارش و خواه به منظور استفاده شخصی.»<sup>۳۹</sup> نسخه‌هایی که به دست نویسندگان کتاب نوشته شده‌اند نوع خاصی را تشکیل می‌دهد که مخصوصاً توجه مصححان متون را جلب می‌کند.

۳۰. در FIMMOD شماره‌های ۳۰، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۹۴، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۲۴ از این جمله‌اند. در همین زمینه نک: به ملاحظاتی از فواد سید، المخطوط، ص ۲۵۸-۴۵۵.
۳۱. ش. و حیدوف/Sh. Vahidov و ا. ارکینوف/A. Erkinov.
۳۲. «Le fihrist de la bibliothèque de Šadr-i Zīyā: une image de la vie intellectuelle dans la Māvarannahr (fin XIX<sup>e</sup>- début XX<sup>e</sup> s.)» فهرست کتابخانه صدر ضیاء، تصویری از زندگی روشنفکری در ماوراءالنهر، انتهای قرن نوزدهم - ابتدای قرن بیستم، Cahiers d'Asie centrale, ۷, ۱۹۹۹, ص ۱۴۷.
۳۳. ر. کیرنیک زونکه, Ar. Hss., ۳, ص ۳۵.
۳۴. ای. سوان/Y. Suvan و م. ج. یالتی گسدون/G. Balty - Guesdon, فهرست ۵, ص ۱۵۹-۱۶۰.
۳۵. به عنوان مثال نک: R. Sesen, "Esquisse d'une histoire du développement des colophons dans les manuscrits musulmans" اطرحی از تاریخ توسعه انجامه‌ها در دست‌نوشته‌های اسلامی، در Scribes, ص ۲۰۳ (ش ۲۶) و ص ۲۰۴ (ش ۲۹).
۳۶. "Arabische Schreiberverse" در: ر. بره, Festschrift E. Littmann, لیدن، ۱۹۳۵، ص ۱۰۱-۱۲۰.
۳۷. "Devises et vers traditionnels des copistes entre explicit et colophon des manuscrits persans" [کلمات قصار و اشعار سنتی نسخه برداران ما بین خطوط پایانی و انجامه دست‌نوشته‌های ایرانی] در Mss du MO, ص ۷۷-۸۷.
۳۸. Les colophons des manuscrits arabes chrétiens G. Troupeau, [انجامه‌های دست‌نوشته‌های عربی مسیحی]، در Scribes, ص ۲۲۳-۲۳۱.

### محل نسخه برداری

اطلاعاتی که امکان تعیین مکان استقرار نسخه نویسان را به منظور انجام کار استکتاب در اختیار قرار می دهد بسیار نادر است. در پاره ای از موارد اطلاعاتی اندک، آن هم به صورت پراکنده و اتفاقی به دست می آید. اطلاعات مندرج در انجمنه ها نیز امکان تصور محیطی را که نسخه بردار در آن به کار مشغول بوده فراهم می آورد. ندرتاً اتفاق می افتد که نام شهری که نسخه در آن کتابت شده ذکر شود، و اطلاع مربوط به این که خود اثر در چه مکانی به انجام رسیده، خیلی نادرتر است. در مواردی که محل نسخه برداری قید شده است، این امکان وجود دارد که در بایم نسخه بردار در چه شرایطی کار می کرده است. کمبود این اطلاعات باید ما را بر آن دارد که در تفسیر آنها با احتیاط عمل کنیم. تعمیم یک نکته یا تفسیر به رأی همان اندازه که وسوسه برانگیز است خطر آفرین نیز هست. لذا واژه نوشتارخانه در سال های اخیر رایج شده است که منظور از آن، سازمان تولید کتاب در جهان عربی اسلامی بویژه حول دربارهای سلطنتی است. حال آن که متخصصان قرون وسطی این واژه را به منظور نامیدن «مکان های یک سازمان مذهبی به کار می بردند که در آنها نسخه برداری از کتب صورت می پذیرفت».<sup>۳۸</sup> صرف نظر از این که موارد کاربرد واقعی این واژه در گستره قرون وسطا بسیار وسیع است باید توجه داشت که استفاده از آن در مطالعه چگونگی نسخه برداری از کتب در شرق مسلمان ممکن است ما را گمراه کند.

### کارگاه ها

در هر حال، کارگاه هایی به معنای واقعی کلمه در اندازه های گوناگون پدیدار شدند. پیش از این نیز اشاره کردیم که بر اساس مآخذی که از اسپانیا به دست ما رسیده است، در دوره امویان تنها در حومه شهر قرطبه «صد و هفتاد زن مشغول بازنویسی قرآن به خط کوفی بوده اند».<sup>۳۹</sup> این که اینان به صورت فردی کار می کرده اند یا در

کارگاه ها گرد هم می آمدند متأسفانه بر ما مشخص نیست. بنا بر نظر یوهانس پدرسن در این نکته که وراقان برای نسخه برداری از کتاب ها بردگان را به کار می گماشتند شکی نیست.<sup>۳۹</sup> منبع چنین برداشتی ذکر نشده است، ولی ممکن است ریشه در نکته موجزی داشته باشد که در الفهرست به آن اشاره شده است و فحوای آن وجود بردگانی است که به جهت قابلیت های خوشنویسی از دیگران متمایز می شده اند. این که این بردگان به عنوان کتاب<sup>۴۰</sup> به کار گماشته می شدند زیاد دور از ذهن به نظر نمی رسد. اما بر فرض هم که به کتابت می پرداخته اند قول ابن ندیم هیچ اطلاعی در زمینه چگونگی به کار گماردنشان به دست نمی دهد. در این که کتاب نسخه کتابخانه ملی قرویین (شماره ۸۷۴) در شهر فاس بوده است جای تردید نیست. شکی هم نیست که ارباب او خلیفه اموی، الحکم دوم بوده که اشتیاق او به کتاب زبازد همگان است.<sup>۴۱</sup> آیا این نسخه بردار در یک «کارگاه» مشغول به کار بوده است؟ هر چند که بسیاری از نویسندگان بر این باورند که کتابخانه مهمی که نام او را بر خود دارد نسخه نویسانی نیز در اختیار داشته است، هیچ نشانه ای دال بر وجود ساختاری شبیه یا معادل نوشتارخانه در دست نیست.<sup>۴۲</sup> در این مورد دانستن این که کار نسخه بردار به جهت استفاده شخصی فقط خلیفه اموی صورت می پذیرفته است یا خیر ممکن نیست. در عوض، در موارد دیگر، مشخص است که کارگاه هایی وجود داشته است که کارشان پاسخگویی به سفارش های سلاطین کتابدوست بوده است. گاهی بزرگان آن دوره اشتیاق فراوان به کتاب نشان می دادند. این افراد نه تنها به جمع آوری کتب نفیس قدیمی قناعت نمی کردند بلکه فعالیت نسخه نویسان را نیز سازمان می دادند تا دست نویس ها مطابق با خواست ها و بایسته هایشان فراهم آید. نمونه گویای این قبیل هنردوستان بی شک بایسنقر تیموری پسر شاهرخ است که برجسته ترین هنرمندان دوران را از تذهیب گر و نقاش گرفته تا خطاط و خوشنویس در دربار خویش در شهر

38. D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 66.

۳۹. ز. پدرسن، همان، ص ۴۶؛ نام یک «غلام» در انجامه تصحیح ر. ششن آمده است (همان، ص ۲۰۰، ش ۲۱).  
۴۰. ابن ندیم، کتاب الفهرست، به تصحیح گ. فلوگل/G. Flügel، لایپزیگ، ۱۸۷۱، جلد ۱، ص ۷؛ تصحیح رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰/۱۹۷۱، ص ۱۰؛ ترجمه ب. دوخویه/B. Dodge.

۴۱. *The Fihrist of al-Nadīm. A tenth century survey of Muslim culture*, New-York/ Londres, 1970, t. I, p. 12.

۴۲. ا. له وی پرووانسال/ E. Lévi - Provençal، «دست نوشته ای از کتابخانه خلیفه الحکم دوم» در: *Hespéris*، ۱۸، ۱۹۳۴، ص ۲۰۰-۱۹۸.  
۴۳. د. واسرشتاین، «کتابخانه الحکم دوم المستنصر و فرهنگ اسلامی اسپانیا»، *MME S*، ۱۹۹۱-۱۹۹۰، ص ۱۰۱.

تذهیب مشغول است و پسر نیز حرفهٔ صحافی را عهده دار است. به این ترتیب امکان تولید هر نوع کتابی در بطن خانواده‌ای واحد میسر می‌گردد.<sup>۳۶</sup> تا به امروز در هیچ یک از انجامه‌ها اشاره‌ای در تأیید چنین نکته‌ای دیده نشده است. با توجه به این توصیف که از سازماندهی شگفتی آور کار تهیه و ساخت کتاب‌های دستنویس ارائه شد می‌توان این‌گونه پنداشت که خانهٔ شخصی به معنای واقعی کلمه مبدل به کارگاه می‌شده است. در آن زمان آنچه بیشتر مد نظر قرار می‌گرفته تهیهٔ مجلد‌های نفیس بوده و بالطبع برای نسخه‌های معمولی نیازی به صنعتگران کاملاً حرفه‌ای و متخصص احساس نمی‌شد. در واقع کار نسخه‌برداری از کتاب‌ها غالباً با افرادی بود که می‌توانستند بسته به موقعیت‌های مختلف در مکان‌های متفاوت مشغول به کار شوند. در این شرایط، خانهٔ شخصی یادگه کسب برای بسیاری از نسخه‌برداران محل کار محسوب می‌شد. در این مورد متأسفانه تنها اطلاعاتی غیرمستقیم در دست است. به عنوان نمونه فهرستی در قاهره در قرن هفتم/سیزدهم تنظیم شده است که کم و بیش این امکان را فراهم می‌آورد تا بینیم دکان نسخه‌بردار چگونه جایی بوده است.<sup>۳۷</sup> اصولاً نسخه‌بردار نیازی به محلی خاص نداشته است. به نوشتهٔ یاقوت، ابراهیم حربی در منزل محقرش به تفکر و تفحص و کتابت مشغول بوده است.<sup>۳۸</sup> بر اساس همین مأخذ<sup>۳۹</sup> اسماعیل بن صبیح، وراقی را در یکی از خانه‌های خود به کار گمارده بود تا از روی کتاب‌های ابو عبیده که به تازگی در اختیارش قرار گرفته بود نسخه برداری کند. محتمل است که محله‌هایی از شهرهای بزرگ که محل تجمع کتاب‌فروشان بود پذیرای نسخه‌نویسان نیز می‌بوده باشد.<sup>۴۰</sup>

هرات گردآورده بود.<sup>۳۳</sup> گرچه اهداف این کارگاه شاه‌ی که از نزدیک با یک کتابخانه همکاری می‌کرد تنها به هنر کتاب‌نویسی و کتاب‌آرایی منحصر نمی‌شدند، دست‌نویس‌های محصول آن مرجعی مهم برای کتاب‌دوستان آینده شد. در شهر استانبول نیز کتاب‌سازان و نسخه‌نویسان در پیرامون دربار از ساختارهایی برای تأمین معیشت خویش بهره می‌جستند. اسناد پایگانی شده عموماً به منظور درک چگونگی فعالیت نقاشان مورد کاوش قرار گرفته است اما همین اسناد اطلاعات ارزشمندی هم دربارهٔ تهیه و ساخت نسخه‌های نفیس در اختیارمان قرار می‌دهند.<sup>۴۱</sup> شاید مضمونی که در مینیاتورهای آن دوره از جمله در نسخه‌ای از اخلاق ناصری نصیرالدین طوسی موجود در مجموعهٔ صدرالدین آقاخان<sup>۴۲</sup> مشاهده می‌شود بازتاب چنین کارگاهی باشد. کارگاهی که در آن هنرمندان و صنعتگران گوناگون گرد هم جمع شده بودند. گاهی ابعاد کارگاه خیلی محقر است. در اواسط قرن دهم/شانزدهم مسافری ایرانی چگونگی تهیه و ساخت کتاب را که به شیوه‌ای بسیار عاقلانه در بطن کارگاه‌های خانوادگی صورت می‌گرفت شرح داده است. در این کارگاه‌ها مراحل گوناگون روند کتابسازی یکی پس از دیگری طی می‌شده است. «در شیراز نسخه‌نویسان متعدد وجود دارند که به خط نستعلیق کتابت می‌کنند و هر یک از آنان پیرو فردی دیگر است و این نکته بازشناسی محصول کار آنها را ناممکن می‌سازد. زنان شیراز کاتب هستند و اگر بی‌سواد هم باشند، به گونه‌ای نسخه برداری می‌کنند که گویی به نقاشی مشغولند. نویسنده از شهر شیراز دیدن کرده و دریافته که در هر یک از خانه‌های شهر، زن نسخه بردار است، شوهر مینیاتوربست است، دختر به

۳۳. ا. ج. گروب با همکاری ای. سیمس، "The school of Herat from 1400 to 1450"، مکتب هرات از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۵۰ م. در ویرایش ب. گری از کتاب *The arts of the book in Central Asia*، پاریس/لندن، ۱۹۷۹، ص ۱۵۴-۱۵۸.

۳۴. به عنوان نمونه مقاله‌های ف. چاغمن/F. Çağman یا عنوان "نقاش عثمانی در اسناد و ادبیات قرن شانزدهم" در کتاب ف. دروش، ش‌کنه‌کان، چ. رنداوم. راجرز: *An ture/ Turkish art. 10e Congrès Int. d'art ture*، ژنو، ۱۹۹۹، ص ۱۹۷-۲۰۶؛ یا: "تألیف Manuscript production in the Ottoman Palace workshop"، در *OrMI* ۱۹۹۱-۱۹۹۰، ص ۶۷-۹۸، می‌توانند نمایانگر قابلیت باشند که پایگانی‌های عثمانی در راه پیگیری روال شغلی یک هنرمند طراز اول و همچنین عواملی که با آنها سروکار دارد در خودنهان دارند.

۳۵. ژنو ۱۹۸۵، ص ۱۵۳، ش ۱۲۷، نیویورک ۱۹۸۲، ص ۱۷۱-۱۷۵، ش ۵۸.  
۳۶. بوداق قزوینی، جواهر الاخبار، نسخهٔ سنت پترزبورگ، کتابخانهٔ عمومی دورن ۲۸۸، برگ ۱۰۹ و ۱۰۹ پشت. این بخش توسط او. اف. آکیموشکین و ا. ایوانف ترجمه و ارائه شده است، عنوان مقاله: "هنر تذهیب" است در ویرایش ب. گری از کتاب: *The art of the book in Central Asia 14th-16th Centuries*، پاریس/لندن، ۱۹۷۹، ص ۵۰.

۳۷. ز. سدان. همان. ص ۴۱ تا ۵۶.

۳۸. یاقوت رومی، کتاب ارشاد الاریب الی معرفة الادیب، تصحیح د. س. مارکلیوت؛ چاپ دوم، لندن، ۱۹۲۳، جلد یک، ص ۳۹.

۳۹. همان، جلد ۵، ص ۴۲۱ و ۴۲۲.

۴۰. ز. پادرسن، همان، ص ۵۱.

## کتابخانه‌ها

بسیاری از نمونه‌هایی که تاکنون ذکر شد حکایت از وجود کتابخانه‌ای در پس زمینه کار نسخه برداری دارد. کتابخانه‌ها، به همراه سازمان‌های آموزشی که کتاب‌ها در آنها اهمیت وافر داشت، بی‌تردید یکی از بهترین مکان‌ها برای نسخه برداری از دست‌نوشته‌ها محسوب می‌شد. به نظر می‌رسد که این امر در مورد "بیت‌الحکمة" که محل فعالیت یک<sup>۵۱</sup> یا چندین نسخه بردار بود، مصداق دارد.<sup>۵۲</sup> در شهر قاهره، کتابخانه فاطمیون و سایر لازم را در اختیار کسانی قرار می‌داد که می‌خواستند متن‌هایی را رونویسی کنند.<sup>۵۳</sup> در مراکش، در کتابخانه سلطنتی علویون اتاقی خاص فعالیت نسخه‌نویسان در نظر گرفته شده بود و نسخه برداران برای رونویسی از نسخه‌های ارزشمند استخدام می‌شدند.<sup>۵۴</sup> همان‌گونه که پدرسن متذکر شده است در کتابخانه‌های بزرگ خاورمیانه تا همین اواخر نسخه بردارانی وجود داشتند که قابلیت‌های شغلی خود را در اختیار دانشمندی قرار می‌دادند که می‌خواستند نسخه‌ای از متنی مشخص را در دست داشته باشند.<sup>۵۵</sup> در این جا باید از انجامه نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی فرانسه (عربی، شماره ۶۶۹۰) یاد کرد که در این مورد اطلاعاتی به دست می‌دهد. از این انجامه بر می‌آید که رونویسی متن در یک کتابخانه، یعنی کتابخانه مدرسه اتابکیه زنجان به پایان رسیده است.<sup>۵۶</sup> اما این اشاره موردی است استثنایی که نظیر آن در دیگر موارد دیده نشده است.<sup>۵۷</sup>

در بخش شرقی جهان اسلام، در کنار بسیاری از کتابخانه‌های سلطنتی، "کارگاهی" به منظور رونویسی از نسخه‌های ارزشمند وجود داشته است. درک چگونگی شکوفایی ساختارهای هر چند ناپایدار و بی‌ثبات، همچون آنچه بایسنقر در دربار خود در هرات ترتیب داده بود<sup>۵۸</sup> - و قبلاً نیز به آن اشاره شد - مشکل است. آنچه مسلم است این است که در ایران عهد تیموریان، دربارهای شاهزادگان برای تشکیل چنین کارگاه‌هایی با یکدیگر رقابت می‌ورزیدند. الگوی این کارگاه‌ها نیز بعدها با موفقیت بسیار به هندوستان عهد مغول انتقال پیدا کرد.<sup>۵۹</sup>

## مؤسسات آموزشی

انجامه‌ها اشاره‌های مستقیم و نسبتاً فراوان به نقش مؤسساتی دارد که هدفشان انتقال معلومات و آگاهی‌ها بوده است. همان‌طور که انتظار می‌رود، بسیاری از نسخه‌نویسان در چارچوب مدارس به کار اشتغال داشته‌اند. نمونه‌هایی از این دست فراوان است و در تمامی گستره جهان اسلام به چشم می‌خورد. در این جا تنها به ذکر چند نمونه که گواه این تداوم از حیث جغرافیایی و زمانی است اکتفا می‌کنیم. در انجامه‌ها، آسیای میانه (مدرسه سلطانیة سمرقند<sup>۶۰</sup>) در کنار ایران آورده شده است (مدرسه رشیدیة<sup>۶۱</sup>، مدرسه میرزاتقی، مدرسه چهارباغ یا ایلچی که هر سه در اصفهان واقع بوده است<sup>۶۲</sup>)، نام آناتولی و مناطق مرزی نیز مشاهده می‌شود (مدرسه شفائیة<sup>۶۳</sup> و صاحبه

۵۱. یوسف العث، کتابخانه‌های عربی عمومی و نیمه عمومی در بین‌النهرین، سوریه و مصر قرون وسطی (به فرانسوی)، ص ۳۳.

۵۲. ی. پدرسن، همان، ص ۴۴.

۵۳. یوسف العث، همان، ص ۷۹ و ۸۵-۸۶.

۵۴. ا. بنین، تاریخ کتابخانه‌های مراکش، ص ۷۷.

۵۵. ی. پدرسن، همان، ص ۵۳، کتابخانه اولسر در مونترال در حدود ده دست‌نوشته رونویسی شده توسط محمود صدیقی النسخ را که متعلق به ابتدای قرن حاضر بوده و در کتابخانه خدیویه اتمام پذیرفته در اختیار دارد (نک: ا. کاجک، همان، ص ۶، ش ۸، ص ۱۱، ش ۱۶، تا آخر). این شخص بی شک همان نسخه بردار دست‌نوشته موجود در کتابخانه شیکاگو، مؤسسه شرق‌شناسی، ۱۲۰۶۰ است. این نسخه بعدها مبنای ترجمه کتاب ابن بادیس شد که به دست م. لوی صورت گرفت.

۵۶. موجود در کتابخانه پاریس جای دارد نیز کار همین شخص است (کتابخانه ملی فرانسه، عربی، ۷۰۶۸، انجامه در برگ (۷۸)، در همین مجموعه (برگ ۱۲۴ از انجامه) متنی از دست‌نوشته شخصی وجود دارد که پیش از ذکر نام خود کیفیت کار نسخه بردار کتابخانه ظاهریه را وصف کرده است. این نسخه مورخ سال ۱۱۸۵/۵۸۱ است (نک: FIMMOD 55).

۵۷. بر اساس انجامه نسخه موجود در کتابخانه استانبول، کوپرولو، ۱۰۷۸، مورخ ۱۳۱۳/۷۱۲ گیرنده نسخه یک کتابخانه بوده است. اما این بدان معنی نیست که نسخه مزبور در همان جا رونویسی شده باشد. نک: ر. ششن، همان، ص ۲۰۶، ش ۳۱.

58. W. Lentz et G.D. Lowry, WASHINGTON, 1989, p. 159-169.

59. M. Brand et G. D. Lowry, New York, 1985, p. 57-85.

۶۰. نسخه شماره ۹۲۷/۴ کتابخانه کوپرولو در استانبول، مورخ سال ۱۲۳۸/۸۴۲.

۶۱. نسخه شماره ۲۴۵۰ کتابخانه صروم/Corum مورخ سال ۱۳۷۸/۷۸۰.

۶۲. نسخه‌های پاریس، کتابخانه ملی، تکملة فارسی ۲۰۷۳، مورخ ۱۰۶۱-۱۰۶۰/۱۶۵۱-۱۶۵۰، تکملة فارسی ۱۶۳۸، مورخ ۱۲۳۱/۱۸۱۶، شماره ۱۳۲۷، مورخ ۱۸۱۹/۱۲۳۴.

۶۳. نسخه برلن، SB Or.، ش ۴۴۲۷، مورخ ۱۶۸۴/۱۰۹۵، کیرینگ زونکه، Ar. Hss.، ص ۳، ش ۱۲۴.



این محل که حکایات واعظ کاشفی است ارتباط چندان مستقیمی با حال و هوای مذهبی مسجد ندارد<sup>۶۷</sup>. مکان‌های دیگری نیز که در اصل مختص عبادت بود، محل فعالیت کاتبان بوده است در این جا به چند نمونه از این مکانها اشاره می‌کنیم: زاویه<sup>۶۸</sup>، مزار<sup>۶۹</sup>، دیر صوفیان<sup>۷۰</sup> یا خانقاه‌ها<sup>۷۱</sup> و حتی حجره‌های گمنام و کم اهمیت‌تر<sup>۷۲</sup>.

رشیدالدین یکی از اهداف تأسیس بنیاد وقفی تبریز (ربع رشیدی) را نسخه برداری از کتاب‌ها می‌خواند<sup>۷۳</sup>. اما وقتنامه به این مطلب که نسخه‌نویسان در چه محلی مشغول به کار بوده‌اند اشاره مستقیمی نمی‌کند. مسلم این است که نسخه‌های اصلی در کتابخانه نگاهداری می‌شد و رونوشت‌ها در محل مسجد در معرض دید عموم قرار می‌گرفت.

### دیگر مکان‌های نسخه برداری

در انجامه‌ها به مکان‌های غیر قراردادی دیگری نیز اشاره می‌شود که گاهی محل نسخه برداری بوده است. ناسخان گاهی در مکان‌هایی به کار اشتغال داشتند که چندان مناسب با فعالیتشان به نظر نمی‌رسید، مکان‌هایی همچون دژها و قلعه‌ها به کرات برای این کار مورد استفاده قرار گرفته است. قلعه‌هایی واقع در نرمودزن<sup>۷۴</sup>، موهانپور<sup>۷۵</sup>،

شمسیه<sup>۶۴</sup> در سیواس، مدرسه سعدالدین کوچک در قونیه<sup>۶۵</sup>، مدرسه سلطانیه در آنکارا<sup>۶۶</sup> و مدرسه صاحبیه نخجوان<sup>۶۷</sup>، مدارس عراق (مدرسه صارمیه در موصل<sup>۶۸</sup>) و سوریه (مدرسه کروسیه<sup>۶۹</sup> در دمشق) نیز در انجامه‌ها ذکر شده است. در پایان فهرست اسامی را به مصر ختم می‌کنیم (قاهره، مدرسه ابوسعیدالظاهر برفوق<sup>۷۰</sup>).

### مساجد و نهاد‌های وقفی

مساجد در بسیاری از موارد مکانی است برای نسخه برداری از کتب و فقها کم و بیش خیلی زود رونویسی از قرآن را در مساجد جایز شمردند<sup>۷۱</sup>. آن گونه که از انجامه‌ها بر می‌آید، به غیر از قرآن، متون دیگری نیز در مساجد رونویسی می‌شده است<sup>۷۲</sup>. در سال ۵۴۲ هـ. ق. ۴۸/۱۱۴۷ م. رونویسی نخستین بخش مؤظاً اثر مالک بن انس<sup>۷۳</sup> در مسجد جامع گرانا (غرناطه) به پایان رسید. کاتبان نسخ فارسی نیز به نوبه خود در بسیاری از موارد اظهار می‌دارند که کار خود را در مسجد به پایان برده‌اند، و در این میان به مساجدی همچون مسجد کربلا<sup>۷۴</sup>، اصفهان<sup>۷۵</sup>، سورت (در هند<sup>۷۶</sup>) و یا مسجد الازهر در مصر اشاره می‌کنند (در حالی که یک نسخه رونویسی شده در

- ۶۴ نسخه استانبول، کوپرولو، شماره ۹۵۶، مورخ ۱۲۸۴/۶۸۳ (نک: ر. ششن، همان، ص ۲۰۴، ش ۲۹).  
 ۶۵ نسخه دویلن، CBL ۱۴۶۶ ربيع الثاني ۶۷۷/سپتامبر ۱۲۷۸ (ا. اری، The Koran illuminated، دویلن، ۱۹۶۷، ص ۱۷، ش ۴۶، د. جیمز، قرآن و انجیل، ۱۹۸۰، ص ۸۹، ش ۶۹).  
 ۶۶ نسخه استانبول، جارالله، ۴۱۰ مکرر، مورخ ۱۲۷۴/۶۷۲ (نک: ر. ششن، همان، ص ۲۰۴، ش ۲۸).  
 ۶۷ نسخه برلن، SB Or. oct. 2291، برگ ۲-۴۵، مورخ ۱۲۹۰/۶۸۹ (نک: ج. شولر، Ar. Hss. ۲، ص ۳۱۲).  
 ۶۸ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، مخزن عربی، ۱۶۹۴، مورخ ۱۲۰۴/۶۰۰، نک: 44 FiMMOD.  
 ۶۹ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، مخزن عربی، ۱۲۹۶، مورخ ۱۳۴۵/۷۴۶، نک: 140 FiMMOD.  
 ۷۰ نسخه بروکسل، BR 19991، مورخ ۱۳۸۷/۷۸۹، نک: 195 FiMMOD.  
 71. M. Fierro, 'The treatises against innovations (Kutub al-bida')', Der Islam, 69, 1992, p. 221.  
 ۷۲ نک: 76 FiMMOD، 196، 90، 242، 236.  
 ۷۳ کریستیز، جزوه فروش ۱۱۴ اکتبر ۱۹۹۷، بسته ش. ۶۹، The Qur'an, scholarship and the Islamic arts of the book، لندن، ۱۹۹۹، ص ۳۳-۳۶، ش ۱۷.  
 ۷۴ نسخه پاریس، تکمله فارسی، شماره ۱۸۶۴، مورخ ۱۲۶۱/۱۸۴۵.  
 ۷۵ نسخه پاریس، تکمله فارسی، ۶۶۹، مورخ ۹۹۲/۱۵۸۱.  
 ۷۶ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۷۵۸، مورخ ۱۱۵۰/۱۷۳۷.  
 ۷۷ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۹۱۶، مورخ ۱۵۲۵/۹۳۱.  
 ۷۸ حجره الشافعی (نسخه پاریس، کتابخانه ملی، ۱۶۵۲، مورخ ۱۴۲۲/۸۲۷، 126 FiMMOD، وی. سوان و ام. ژ. بالتی، گسدون/M. G. Balty - Guesdon، فهرست ۵، ص ۲۱۲-۲۱۳) و حجره اسکندر پاشا در خارج از گالاتا/Galata (نسخه پاریس، کتابخانه ملی، مخزن فارسی، ۲۲، مورخ ۱۰۱۷ هـ. ق. ۱۶۰۸ م. ف. ریشار، فهرست ج ۱، ص ۴۹ و ۵۰).  
 ۷۹ به عنوان نمونه مزار شیخ بخاری در بورسه در نسخه پاریس، کتابخانه ملی، مخزن فارسی، ۲۶۶ (ف. ریشار، فهرست ۱، ص ۲۷۷).  
 ۸۰ نسخه‌های پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۸۲۰، مورخ ۱۰۸۱/۱۶۷۰، در بیجاپور؛ تکمله فارسی، ۱۴۳۹، مورخ ۱۳۳۴/۱۸۱۸، در اسکوداره؛ در شیراز، آستانه احمدیه (نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۱۷۸۵، مورخ ۱۷۷۱/۱۷۸۵) و آستانه حسام‌الدین ابراهیم در مجموعه‌ای از نسخه‌های مورخ ما بین ۱۴۸۰ و ۱۵۲۰.  
 ۸۱ به عنوان مثال خانقاه سعیدالسعدا در قاهره، نک: نسخه برلن، SB or. oct. ۲۷۰۷، مورخ ۱۳۰۹/۷۹۸، (نک: ژ. شولر، Ar. Hss. ۲، ص ۸۵).  
 ۸۲ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۳۹۵، مورخ ۱۵۶۸، نسخه ناشکند، JOB. 3907/1، مورخ ۱۱۴۹/۵۴۴ (249 FiMMOD).  
 ۸۳ ایرج افشار و مجتبی مینوی؛ وقتنامه ربع رشیدی، تهران، ۱۹۷۸/۱۳۵۶ (ترجمه و. تاکستون در: A compendium of Chronicles, Rashid al-Din's illustrated history of the world، گردآورده ش. س. پلر، لندن، ۱۹۹۵، ص ۱۱۴-۱۱۵).  
 ۸۴ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۱۶۸، مورخ ۱۶۱۴/۱۰۲۲.۳.  
 ۸۵ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۴۵۵، مورخ ۱۷۷۲/۱۱۸۶.

احمدآباد<sup>۸۶</sup>، سمرقند<sup>۸۷</sup> و ویدن/Vidin در بلغارستان<sup>۸۸</sup> از این دسته اند.

### روال و فنون کار

متأسفانه اطلاعات چندانی برای تکمیل و تنظیم این مبحث با این عنوان مهم در اختیار نداریم. البته منابع ادبی اطلاعات نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در باره تولید کتاب و همچنین کار کاتبان به دست می‌دهد.<sup>۸۹</sup> و گاه میزان این اطلاعات از آنچه درباره خود نویسنده کتاب بیان شده بیشتر است.<sup>۹۰</sup> بدیهی است که باید در مورد نویسندگانی که خود کاتب بوده‌اند و این کار را به منظور امرار معاش یا غنی ساختن کتابخانه شخصی خود انجام می‌داده‌اند احتیاط لازم را به خرج داد؛ این جویز چنان که خودش نقل کرده است هر روز چهار دفتر را با دست نوشته‌هایش پر می‌کرده<sup>۹۱</sup> و به هنگام مرگش تعداد قلم‌هایی که از او به جای مانده و بر اثر کثرت کتابت فرسوده شده بود چندان بود که بازماندگانش از آنها همچون سوخت برای گرم کردن آب غسل میت استفاده کردند.<sup>۹۲</sup> اما از آن جا که این جویز نویسنده بوده است، تشخیص و تمیز سهم تألیف از سهم نسخه برداری در این حجم عظیم بس دشوار است.

### سرعت نسخه برداری

سرعت کتابت خط عربی خیلی زود استفاده کنندگان از آن را به شگفتی واداشت؛ در کتاب الفهرست آمده است که الکندی با تعجب می‌گوید: «این خط به ما امکان می‌دهد تا نسبت به دیگر خطوط با سرعت بیشتری کار کنیم».<sup>۹۳</sup> چنین به نظر می‌رسد که این معیار مورد قبول نویسندگان قرون وسطی همچون ابن بادیس بوده است. ابن بادیس با توجه به سرعت کتابت خطوط مختلف، علت نامگذاری این خطوط را شرح می‌دهد: «اگر

شخصی متنی را به روش طومار بنگارد به زمانی مشخص نیاز دارد. با استفاده از روش نصف، این زمان به نصف کاهش می‌یابد و با استفاده از شیوه ثلث همین زمان به یک سوم کاهش می‌یابد».<sup>۹۴</sup> هنوز مطالعاتی در مورد سرعت نسخه برداری صورت نگرفته است و بررسی منظم نسخه‌های حاوی انجامه‌های میانی می‌تواند امکان تخمین دقیق‌تر آهنگ نسخه برداری را فراهم آورد. به عنوان نمونه می‌توان به آمار و ارقامی در خصوص نسخه نویسان آسیای میانه در اواخر قرن سیزدهم/نوزدهم و ابتدای قرن چهاردهم/بیستم اشاره کرد: صدر ضیاء در فهرست کتابخانه‌اش اغلب به ذکر تعداد مجلدهایی که ناسخان تهیه کرده‌اند پرداخته است؛ بر اساس این منبع، داملا میرزا عبدالرحمان اعلم ملا قریب ۱۰۰۰ کتاب مختلف را رونویسی کرده است، صدیق جان تعداد ۵۰۰ عنوان، داملا رحیم جان تعداد ۲۰۰ عنوان، عنایت‌الله بیش از ۱۵۰ نسخه و برادرش میرزا حکمت‌الله محمود بیش از ۳۷۰ کتاب را نسخه برداری کرده‌اند. متأسفانه هیچ اطلاعی در باره حجم هر یک از این کتاب‌ها در دست نیست و لذا نمی‌توان درباره میزان و مقدار کار انجام شده به دقت داوری کرد.

گاهی کاتب مدت زمانی را که صرف جهت نسخه برداری کرده است ذکر می‌کند و این کار را گاه با ذکر تاریخ شروع کار کتابت و گاه با ذکر مدت زمان صرف شده انجام می‌دهد. درویش دردمندعلی بن محمد در انجامه نسخه موجود در کتابخانه ملی فرانسه (فارسی، شماره ۲۶۶) می‌گوید که برای نسخه برداری از ۲۷۳ بزرگ مثنوی جلال‌الدین رومی<sup>۹۵</sup>، پانزده روز وقت صرف کرده است. حکایاتی نیز درباره شاهکارهایی در این زمینه وجود دارد؛ مثلاً مردی به نام فاضل دیوانه که در اوایل قرن نوزدهم می‌زیسته به روایتی توانسته است به سفارش امیر بخارا،

۸۶ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۹۳۵، مورخ ۱۱۴۱/۱۷۲۸.

۸۷ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۱۲۶، مورخ ۱۳۳۷/۱۳۳۷.

۸۸ نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی، ۱۸۹، مورخ ۱۵۴۷/۱۵۴۶-۱۵۴۶ (ف. ریشار، فهرست، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶).

۸۹ رساله‌های خوشنویسی در مورد رونوشت‌های قرآن، در غالب اوقات اطلاعاتی رمزدار به دست می‌دهند. در انجامه نیز در این اواخر، نسخه برداران شماره ردیف نسخه را در میانه اثر درج می‌نمودند (نک. ج. م. راجرز/J. M. Rogers، زنو، ۱۹۹۵، ص ۷۰، شماره ۳۱ و ص ۷۳، ش ۳۳).

۹۰ نک. ی. پدرس، همان، ص ۳۷.

۹۱ ابن خلکان (همان)، جلد ۳، بیروت، بدون تاریخ، ص ۱۴۱) حتی از ۹ دفتر در روز نیز نام برده است.

۹۲ همان.

۹۳ ابن ندیم، کتاب الفهرست، تصحیح گ. فلوگل، جلد یک، ص ۱۰، تصحیح رضا تجدد، ص ۱۳؛ ترجمه دوخویه، همان، ص ۱۹.

۹۴ این بخش در ترجمه م. لوی (همان، ص ۴۱) درج شده است، اما در متن عربی این بادیس از آن نشانی نیست (عمدةالکتاب و عمدة ذوی الالیاب، تصحیح ا. حلوجی و ع. ا. زکی، مجلة معهد المخطوطات العربية، ۱۷، ۱۳۹۱/۱۹۷۱).

۹۵ ف. ریشار، فهرست، ج ۱، ص ۲۷۷.



می‌ورزد<sup>۹۹</sup>، تشخیص این که نسخه‌ای حاصل کار گروهی بوده یا خیر بسیار دشوار است. به خصوص که خوشنویسان از این که می‌توانند ویژگی‌های فردی سبک خطاطی خود را پنهان دارند بسیار خوشنودند و بر خود می‌بالند، مگر آن که این ویژگی‌ها تنها در نکات جزئی ظاهر شود. حکایاتی نیز در مورد سوءاستفاده‌های ناشی از این امر وجود دارد. به عنوان نمونه، استاد مصری ابن وحید در قرن ۵۷۰ هـ.ق/۱۱۳۰ م. شاگردانش را با مزدی اندک به کار می‌گماشته، آنگاه خودش نسخه را امضاء می‌کرده و مبالغ هنگفتی از سفارش دهندگان می‌گرفته است.<sup>۱۰۰</sup> سید حمدالله نیز شاگردی داشته که دست‌نویس‌های خود را در میان دست‌نوشته‌های استادش پنهان می‌کرده و سید حمدالله نادانسته همه کارها را به نام خود امضاء می‌کرده است. شاگرد بعد از انجام این کار استاد را از تقلبی که کرده بوده مطلع می‌ساخته است.<sup>۱۰۱</sup>

از همان اوایل ظهور اسلام مواردی دال بر این که نسخه‌هایی را ناسخان متعدد تهیه دیده‌اند مشاهده می‌شود. بخش‌هایی از دو قرآن بسیار قدیمی متعلق به نیمه دوم قرن اول هجری موجود در کتابخانه ملی پاریس (عربی، شماره ۳۳۸)<sup>۱۰۲</sup> و همچنین صنعا، به (شماره 1-25-1) Da.<sup>۱۰۳</sup> نشان می‌دهد که نسخه نخست به دست سه نفر و نسخه دوم به دست دو نفر تهیه شده است؛ به نظر می‌رسد که در آن زمان ناسخان جدا در اندیشه تهیه نسخه‌ای یکدست نبوده‌اند و هر یک بر اساس سبک خود به این کار مبادرت می‌کرده است. بعدها نسخه‌هایی غیر نفیس نیز به همین ترتیب تهیه و تدوین شد. به عنوان مثال نسخه موجود در کتابخانه سارایه و (شماره‌های ۱۴۲ و ۱۵۵-۱۵۹) که نسخه‌ای است از کتاب وقایع نوشته محبوب بن صدرالشریعه [فقیه حنفی، د ۷۴۷ هـ.ق] نمونه‌ای است بسیار

نسخه‌ای از آثار بیدل را در عرض چهل روز تهیه کند و در عین حال در طول شب، نسخه‌ای خلاصه شده از همین اثر را برای خود رونویسی کرده است. در مورد عنایت‌الله که ناسخ، مفتی و مدرس بوده است گفته شده که در طول یک شب توانسته است مختصر کتاب وقایع<sup>۹۶</sup> [یا شرح الوقایع، تألیف صدرالشریعه، عبدالله محبوبی بخاری، فقیه حنفی] را رونویسی کند.

دستورالعمل‌های [خواجه] رشیدالدین [فضل‌الله] نکاتی را در باره سرعت کار مورد درخواست هنرپرورانی به دست می‌دهد که از امکانات مالی فراوان بهره‌مند بوده‌اند؛ در نوشته‌های او آمده است که هر ساله باید دو نسخه تمیز از هر یک از شش رساله این وزیر ایلخانی تهیه می‌شد و البته باید دانست که برخی از آثار او مشتمل بر چندین مجلد بوده است.<sup>۹۷</sup> نسخه‌های به جای مانده که گاه به وفور مصور و تذهیب شده است، نشانگر تلاش عظیم هنرمندان دست‌اندرکار امر کتاب و کتابت است.<sup>۹۸</sup>

### کار انفرادی یا گروهی

آن گونه که از بررسی تجربی نسخه‌ها بر می‌آید کار نسخه برداری در اکثر موارد به صورت انفرادی تحقق می‌پذیرد. به این معنی که فردی واحد زحمت رونویسی متن را از ابتدا تا انتها متحمل می‌شده است. با وجود این نمونه‌هایی نیز از کار گروهی در دست است. اما اگر انجامه‌ها توضیحی در این خصوص ندهد شناسایی این گروه کارچندان آسانی نیست. تغییر خط به ویژه در پایان نسخه همیشه به گونه‌ای قاعده‌مند به معنای آن نیست که کار را ناسخ دیگری ادامه داده است. برعکس، از آن جا که تعلیم کتابت وسیعاً بر تقلید استوار بود و با توجه به این که بسیاری از متون بر مهارت ناسخان در امر تقلید مو به مو از خطاطان پیشین یا همعصر خود تأکید

۹۶. ش. وحیدوف و ا. ارکینوف، همان، ص ۱۲۷ متذکر می‌شوند که داملاً میرزا عبدالرحمان اعلم چهار کتاب را در عرض یک شب به کمک شاگردانش رونویسی کرده است (ص ۱۲۷، ش ۱۹).

۹۷. نک: یادداشت ش ۸۳.

۹۸. نسخه‌های ادینبورگ، کتابخانه دانشگاه، نسخه‌های عربی ۲۰ + لندن، ن. د. خلیلی، Collection of Islamic art، نسخه ۱۲۷، پاریس، کتابخانه ملی، مخزن عربی، ۲۳۲۴.

۹۹. به عنوان مثال نک: د. س. رایس، *The unique Ibn al-Bawwāb manuscript in the Chester Beatty Library*، دویلن، ۱۹۵۵، ص ۷-۸.  
100. D. James, "Some observations on the calligrapher and illuminators of the Koran of Rukn al-Dīn Baybars al-Jāshnagīr".

[ملاحظاتی درباره کتاب و مذهب قرآن بایرس]، در مقرن، ۲، ۱۹۸۴، ص ۱۴۸.

101. C. Huart, *Les calligraphes et miniaturistes de l'Orient musulman*، ۱۲۶، ۱۲۷. [خوشنویسان و مینیاتورست‌های شرق مسلمان] ص ۵۹-۶۰، ش ۲ (نسخه‌ای عکسی از این قطعه منتشر شده است: ف. دروش و س. نوپانوزدا، نسخه عربی ۳۲۸ (الف) کتابخانه ملی فرانسه).

۱۰۲. کویت، ۱۹۸۵، ص ۶۰.

شایان توجه از کار گروهی نسخه برداران.<sup>۱۰۴</sup> کار رونویسی کتاب مذکور در فوجه/Foča در سال ۹۹۶ هـ. ۱۵۷۸/۱. به دست ۲۵ کاتب صورت پذیرفت. این ۲۵ تن به اتفاق هم کار رونویسی این متن را که به سفارش گروهی هنرپرور صورت گرفته بود، تقبل کردند. البته تعدادی از خود همین افراد در امر نسخه برداری مشارکت و همکاری کردند. فهرست ها نشان می دهند که فلان یا بهمان مجلد با دو و گاه چند دست خط متفاوت نوشته شده است.<sup>۱۰۵</sup> این امر ضرورتاً به این معنی که گروهی به اتفاق هم این کار را به انجام رسانیده اند نیست، بلکه گوناگونی دست خط ها می تواند نشانه ترمیم نسخه به دست افراد مختلف باشد. چنان که نسخه ای قدیمی از کتاب مختصر فی اخبار البشر (پاریس، کتابخانه ملی، عربی، شماره ۱۵۱۱) که تمامی بخش نخست آن از بین رفته بود به دست ناسخی دیگر که ۸۰ صفحه نخست آن را مجدداً رونویسی کرد ترمیم و احیا شد.<sup>۱۰۶</sup> در هر حال لازم است که به تنوع خط و همچنین گوناگونی مرکب و کاغذ توجه خاص بذل شود، زیرا این گوناگونی ها می تواند تداعی گر این معنی باشد که نسخه مورد نظر احتمالاً به دست ناسخان متعدد نسخه برداری شده است.

### وضعیت نسخه پردازی

بسیاری از اوقات نسخه موجود حاصل رونویسی از متن اصل است که ناسخ در دست داشته است. هنگامی که انجامه اطلاعات دقیقی درباره نسخه مادر در اختیار قرار می دهد این وضع آشنا ظاهر ملموس تری پیدا می کند.<sup>۱۰۷</sup> البته این وضع منحصر به فرد نیست. صرف نظر از مواردی

که نسخه به دست شخص نویسنده اش کتابت شده است، باید بر اهمیت املاء و انشاء در روند نسخه برداری تأکید کرد. حکایت زیر به روشنی نشانگر صحت این مدعاست. الفراء (در گذشته ۲۰۷ هـ. ۸۲۲ م.) به هنگام ایراد خطابه های عمومی خود، متن تفسیری را قرائت می کرده است و دو ورق آن را به رشته تحریر در می آورده اند.<sup>۱۰۸</sup> در چنین موردی و همچنین در موارد مشابه، ورق حکم منشی نویسنده را پیدا می کند. البته همان گونه که پدرسن یادآور می شود، بین این دو رابطه چندان جدی وجود نداشته است. ناسخ گاه متنی را که شخص دیگری قرائت می کند املاء می کند. همان گونه که نسخه موجود در تاشکند (IOB. 3105) مورخ ۶۴۹ هـ. ۱۲۵۱ م. نشان می دهد، ناقل متن می تواند از این روش به منظور انتشار آن سود بجوید.<sup>۱۰۹</sup>

### وضعیت ناسخ به هنگام کار

در تصویری ایرانی که در آن مراحل گوناگون ساخت کتاب بازنمایی شده است (واشنگتن، دی سی A.M. Gallery Sackler, 86.0221, مورخ حدود ۹۴۷ هـ. ۱۵۴۰ م.)<sup>۱۱۰</sup> فردی در حال وضو گرفتن ترسیم شده است؛ منابع گوناگون بر لزوم طاهر بودن کاتب به هنگام کار اشاره کرده است، به ویژه اگر کار نسخه برداری مربوط به مسائل و مضامین مذهبی باشد.<sup>۱۱۱</sup> از طریق کاتبان بازنمایی شده در مینیاتورها هم می توان بهتری برد که کاتبان به هنگام کار در چه وضعیتی قرار داشتند و چگونه می نشستند.

البته اغلب این پرسش مطرح می شود که آیا صحنه نقاشی واقعاً بازنمای نسخه برداری از کتاب است؟ معمولاً کاتب بر گه ای را که بر روی آن می نویسد روی ران راست خود

104.K. Dobraca, "Scriptorij u Foci u XVI stoljcu", *Anali Gazi Husrev-Begove Biblioteke I*, 1972, p. 67-74; *Katalog, arapskih, turskih i perzijskih rukopisa*, t. II, Sarajevo Starjesinstvo islamske zajednice za SR Bosnu i Hercegovinu, 1979, p. 251-256(n<sup>o</sup> 1072-1077).

پ. س. وان کونینگس و ق. سامرایی به نسخه ای از کتاب فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث نوشته سخاوی اشاره می کنند که چندین نسخه بردار آن را (ظاهر آ زیر نظر واقف) در سال ۱۵۴۷/۹۵۴ رونویسی کرده اند: (ش ۹۱، ص ۶۲، ۱۹۷۸، لیدن،

(Localities and dates in Arabic manuscripts Descriptive catalogue of a collection of Arabic manuscripts in the possession of E. J. Brill,

۱۰۵. به عنوان نمونه نک: فهرست ر. زلهایم، Materialen، ۲. در بخش از قرآن هایی که در آفریقای غربی نگاشته شده اند، نسخه های پاریس، کتابخانه ملی، مخزن عربی، ۴۸۵۴ و ۵۰۳۵ نشان از وجود چند دست خط می دهند. (ف. دروش، فهرست، ۱/۲ ص ۴۹ تا ۵۱، ش ۳۷۷ و ۳۴۰) ی. ویتماکم به نسخه ای یمنی از بخش نخست قرآن اشاره می کند که توسط سه خطاط نگاشته شده است.

"Manuscripts & Manuscripts [6] Qur'ān fragments from Dawrān (Yemen)" *MME*، ۴، ۱۹۸۹، ص ۱۶۱، ش ۳۲ و تصویر ۱۹.

۱۰۶. ی. سوان و م. ج. بالٹی. گسدون، فهرست ۵، ص ۶۳-۶۲.

۱۰۷. به عنوان نمونه نک: نسخه های استانبول، کوپرولو، ۹۴۹، مورخ ۱۲۶۰/۱۲۶۰، ۱۵۰۱، مورخ ۱۳۲۹/۷۲۹ و غیره (نک: ر. ششن، همان، ص ۲۰۳، ش ۲۶، ص ۲۰۷، ش ۳۲).

۱۰۸. ی. پدرسن، همان، ص ۲۵.

109.FiMMOD 250.

۱۱۰. واشنگتن، ۱۹۸۸، ص ۱۸۲ - ۱۸۳، ش ۵۹.

111.F. Rosenthal, *The technique and approach of Muslim scholarship*, p. 12. افزون بر این در همان متن قید شده است که کاتب باید رو به قبله باشد.

به خط شکسته شرقی برگرداند.<sup>۱۱۴</sup> کار نسخه بردار هنگامی مقبول‌تر واقع می‌شد که شخص اطلاعاتی در زمینه خط‌شناسی کهن نیز داشته باشد. البته این اطلاعات ممکن بود هنگام کار عملی ناکافی باشند. مصححان و همچنین خود ناسخان که گاه به هنگام بازخوانی به تصحیح آن مبادرت می‌ورزیدند بقیه لغزش‌ها را به خوبی می‌شناختند. پاره‌ای از این اشتباهات عبارت است: تکرار کلمه (dittographie)<sup>۱۱۵</sup>، مختصر نمودن کلمه (hablographie)<sup>۱۱۶</sup>، افتادگی<sup>۱۱۷</sup> و در نهایت تحریف یا جابه‌جایی کلمه (interversion).<sup>۱۱۸</sup> از مواردی که ذکر شد آن چه مشکل‌آفرین‌تر است تحریف‌ها<sup>۱۱۹</sup> و تصحیف‌ها است. نسخه‌ها گاه نشانه‌هایی از این قبیل لغزش‌ها را در خود عیان می‌کنند. در نسخه لی یژ (BRU، شعبه شرقی، شماره ۱۲۴۲۴، برگ ۱۲۷)، نسخه بردار بخشی را از قلم انداخته سپس در حاشیه همان صفحه بخش فراموش شده را اضافه کرده است.<sup>۱۲۰</sup> پدرسن در مورد نسخه‌نویسانی که تا همین اواخر در کتابخانه‌های بزرگ مشرق زمین به کار اشتغال داشتند می‌نویسد: «در میان آنان افرادی دیده می‌شدند که تصور می‌کردند وظیفه‌شان به هنگام نسخه برداری متن، تصحیح لغزش‌های واقعی یا تخیلی نسخه مادر است. به نحوی که نمی‌شود اطمینان داشت آیا نسخه رونویسی شده کاملاً به نسخه مادر وفادار بوده است یا خیر».<sup>۱۲۱</sup>

### نسخه‌نویسان بازاری

آن چه که تاکنون بیان شد این سؤال را مطرح می‌کند که کار کاتب به چه ترتیبی سازماندهی می‌شده است. در کارگاه‌های وابسته به دربار و همچنین برای کاتبانی که

قرار می‌دهد و کار نگارش در وضعیت نشسته صورت می‌پذیرد. اما زاویه بدن کاتب با رانش بسته به مناطق جغرافیایی و دوره‌های تاریخی گوناگون و متفاوت است.<sup>۱۲۲</sup> وانگهی، مینیاتورهای عهد عثمانی کاتبان را در وضعیت نشسته در برابر میزهای کوتاه (این که میز است یا صندوق مشخص نیست) نشان می‌دهد که بر روی آن وسایل کتابت چیده شده است.<sup>۱۲۳</sup> دریافتن این نکته که کاتبان قلم را چگونه به دست می‌گرفتند امری است دشوار. این معیار که برای درک پاره‌ای از نکات خط‌شناسی کهن از اهمیت فراوان برخوردار است گویا آن گونه که باید و شاید مورد توجه پژوهشگران واقع نشده است.

### رونویسی

همگی نسخه‌نویسان باسواد نبودند و همان گونه که از متن بوداق قزوینی بر می‌آید برخی از آنان به کلی از نعمت سواد بی بهره بودند. اما برای توجیه و توضیح لغزش‌های موجود در نسخه‌ها لازم نیست که حتماً دلیل آن را بی‌سواد بودن ناسخ بدانیم. کار رونویسی از متن کاری است یکنواخت و کسل‌کننده و همواره این امکان وجود دارد که بهترین نسخه‌نویسان نیز دچار غفلت و کم‌توجهی شوند. هنگامی که متنی از روی متنی دیگر رونویسی می‌شود دلیل برخی از اشتباهات مشکلاتی است که در خواندن متن الگوری می‌دهد. در همین مورد، همان گونه که یان یوست ویتکام/Yan Yust Witkam اشاره می‌کند، وجود یگانه نسخه دست‌نوشته طوق الحمامة به قلم ابن حزم (لیدن، BRU Or. 927) ثمره تلاش کاتبی است که توانسته است نسخه اصلی را که به خط مغربی بوده

۱۱۲. به عنوان مثال مینیاتورهای گالری، م. سکلر، Sackler، 86. 0221 (واشنگتن، ۱۹۸۸، ص ۱۸۲-۱۸۳، ش ۵۹، ایران، حدود سال ۱۵۴۰) را با کمبریج (MA) موزه هنری فوک/Fogg، مجموعه شخصی (آنه ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی/Calligraphy and Islamic culture نیویورک، ۱۹۸۴، تصویر پس از ص ۳۴، هند، حدود سال ۱۶۲۵) با یکدیگر مقایسه کنید.
۱۱۳. ن. آتاسوی و ف. چاغمن، Turkish miniature painting، استانبول، ۱۹۷۴، ص ۱۳۳ (نسخه استانبول، TKS H. ۱۲۶۳، برگ ۵۴، پشت، حدود سال‌های ۱۶۱۸-۱۶۲۲)، ی. ه. صفدی، Islamic calligraphy، لندن، ۱۹۷۸، ص ۸۸ تصویر ۹۳، یکی از این صندوقچه‌ها یا میزها در موزه لورر نگاهداری می‌شود (لورسای، ۱۹۹۹، ص ۱۶۷، ش ۱۱۷، بخش اشیای کهن شرقی، شماره ثبت MAO ۸۷۱).
۱۱۴. "Establishing the stemma, Fact or fiction?"، MME 3, 1988, p. 90-92.
۱۱۵. «تکرار اشتباهی یک یا چند واژه» (د. موزرل، Vocabulaire، ص ۱۲۰).
۱۱۶. «هنگامی که حرفی یا هجایی از یک واژه که باید مکرر نوشته شود فقط یک بار ضبط می‌شود» (د. موزرل، Vocabulaire، ص ۱۲۰).
۱۱۷. «هنگامی که یک واژه یا مجموعه‌ای از واژه‌ها به اشتباه برای بار دوم در فاصله‌ای اندک از یکدیگر تکرار شوند یا دقیقاً در پی یکدیگر درج شوند» (د. موزرل، Vocabulaire، ص ۱۲۰)، ی. ی. ویتکام به دو نمونه از این نوع اشتباه در نسخه قرآن موجود در یمن اشاره می‌کند (همان، ص ۱۵۸، ش ۵ و ص ۱۵۹، ش ۱۴).
۱۱۸. «جابه‌جایی عمدی یا سهوی دو عامل در متن (حرف، واژه، قطعه، ...) به نحوی که اولی جایگزین دومی شود و بالعکس» (د. موزرل، Vocabulaire، ص ۱۲۱).
۱۱۹. «کنجاندن عاملی خارجی در متن اصلی» (د. موزرل، Vocabulaire، ص ۱۲۱).
۱۲۰. رونوشتی از این صفحه توسط ی. ی. ویتکام منتشر شده است (فهرست ۵، ص ۵۱۲).
۱۲۱. ی. پدرسن، همان، ص ۵۳.

به طور اتفاقی و به جهت موقعیتی موقتی به کار مشغول بوده‌اند چنین پرسشی مطرح نیست. برای کاتبان حرفه‌ای که به صورت مستقل به کار مشغول بوده‌اند دانستن این که آیا برنامه‌ریزی به معنای واقعی در کار نسخه برداری وجود داشته است یا خیر امری است سخت دشوار. زیرا به جز قرآن، بقیه کتاب‌ها تنها پس از اخذ سفارش رونویسی می‌شده است. در شیراز، در اواسط قرن دهم/ شانزدهم، وضعیتی استثنایی حاکم بوده است. زیرا گمان می‌رود که تولید کتاب‌ها پیش از سفارش صورت می‌گرفته است. بررسی نسخه‌های "عامیانه" که تاکنون شروع نشده است شاید بتواند راهگشای ما در یافتن پاسخی برای این گونه پرسش‌ها باشد.

### نقاشان و تذهیب‌گران

محافل فرهنگی و حرفه‌ای که نسخه‌های تذهیب و تزیین شده در میان آنها تهیه می‌شد تنوع فراوان داشتند. عوامل اقتصادی نقش تعیین کننده در نوع و نحوه توزیع هنرپروری، استعدادها، اسباب و وسایل کار و همچنین پاداش‌ها ایفا می‌کردند. شایسته آن است که همه این نکات در آینده موضوع تحقیق قرار گیرد. در بخش‌های پیشین، طرحی از تنوع شرایط نسخه برداری ارائه شد. در مورد تذهیب و تزیین نیز همین تنوع مصداق دارد.

تردید نیست که اطلاعات مربوط به چگونگی فراهم آمدن مقدمات تهیه نسخه‌های پاکیزه و دقیق در مقایسه با کارهای عادی فراوان تر است. توانمندترین هنرپروان، کارگاه‌های شخصی در اختیار داشتند که در آن هنرمندان به اتفاق دستیاران و کارآموزان خود زیر نظر یک یا چند استاد به کار اشتغال داشتند. بسیاری از سلاطین عثمانی به این ترتیب نسخه‌هایی سفارش داده‌اند. با مراجعه به اسناد موجود در بایگانی‌های استانبول می‌توان از جزئیات حق‌الزحمه هنرمندان و دیگر عوامل آگاهی پیدا کرد. دستمزد هنرمند طراز اول بسیار بالا بوده است. اما دستیاران وی تنها چند آقچه در روز مزد می‌گرفتند که در آن زمان درآمدی ناچیز به شمار می‌آمد. مقارن قرون ۱۰-۱۱هـ/ ۱۶-۱۷م. کارگاه سلطنتی به واسطه شکوه و عظمتش تعداد زیادی هنرمند در استخدام داشت که هر یک در کاری

ویژه تخصص تام داشته است. کارهایی از نوع خط کشی و تذهیب حاشیه‌ها، نقاشی و زنگاری طرح‌های اسلیمی و مواردی دیگر از این دست (تصویر شماره ۷۲).

کارگاه‌هایی که برای بازار کار می‌کردند کوچک تر بودند و هر چند که حاصل کار این کارگاه‌ها به آن حد کمال که در کارگاه‌های سلطنتی مشاهده می‌شد نمی‌رسید، در اغلب موارد آثار سطح بالا عرضه می‌کردند. به عنوان مثال، شیوه‌های تذهیب منسوب به شهر شیراز بسیار مورد پسند واقع می‌شد و این شیوه‌ها هنرمندان هندی و دیگر مناطق جغرافیایی را متأثر کرده است. این امر البته صرفاً در مورد تولید انبوه کتاب در عهد صفویه مصداق ندارد.<sup>۱۳۳</sup> همان گونه که پیش از این یادآور شدیم، برخی از کاتبان و وظیفه تذهیب را نیز بر عهده می‌گرفتند. به عنوان مثال سعد بن محمد کرخی که نامش در قرآن موجود در کتابخانه لندن (شعبه شرقی، شماره ۱۳۰۰۲) مورخ ۴۰۲هـ/ ۱۱۰۱۱م. قید شده نمونه‌ای از این دست است و می‌توان نامش را در کنار علی بن احمد و راق و عثمان بن حسین و راق غزنوی که پیش از این به آنان اشاره شد قرار داد. بعدها یعنی در قرن ۱۰هـ/ ۱۶۰۰م. آثار روزبهان محمد بقلی شیرازی نشانگر پابرجایی این سنت هستند.<sup>۱۳۴</sup> دو گروه هنرمند دیگر نیز وجود دارد: در گروه اول نسخه‌نویسان حرفه‌ای مشاهده می‌شوند که به صورت انفرادی به فعالیت مشغول بوده‌اند یا کتاب فروشانی قرار دارند که تذهیب‌های معمولی ارائه می‌کردند. در گروه دوم اشخاصی جای دارند که نسخه‌هایی را به منظور استفاده شخصی تهیه می‌کردند و سپس تزیین می‌نمودند. هر چند که کار تزیین در این موارد ناشیانه انجام می‌گرفته است، گاه با نمونه‌هایی مواجه می‌شویم که نشانگر تسلط نسخه بردار در امر تزیین و نقاشی است.

### صحافان

نسخه بردار دست‌نوشته موجود در کتابخانه ملی پاریس (عربی، شماره ۶۸۸۳) مورخ ۶۴۰هـ/ ۱۲۴۲م. فردی است به نام علی بن محمد مجلد. او بی تردید در شمار آن دسته از صنعتگران امر کتاب جای داشته که در انجام چند کار

۱۳۳. ای. رایت، نمونه‌ای از این دست را با دقت تمام مورد بررسی قرار داده است:

E. Wright, "An Indian Qur'an and its 14th - century model", *Oriental art*, Winter 1996/ 1997, p. 8-12.

۱۳۴. د. جیمز، *After Timur*، ص ۱۲۴-۱۲۹.

نحوی حقیقتاً حاشیه‌ای در باره صحاف خوب و کارآمد و استثنایی نیز سخن به میان می‌آورده‌اند.<sup>۱۲۵</sup> در این که کار صحافی کاری پر ارج و قرب به شمار می‌آمده است تردیدی نیست و همگان آن بخش از کتاب الفهرست را که در مورد استادان دوران گذشته همچون ابن ابی حُریش، هنرمند دربار مأمون، نگاشته شده است در ذهن دارند.<sup>۱۲۶</sup> اما در نهایت وضعی که این پیشه‌وران در آن به کار مشغول بوده‌اند همچنان در تاریکی باقی مانده است. اگر نقاشی‌های حاشیه‌ای آلبوم جهانگیر نمی‌بود<sup>۱۲۷</sup> به زحمت می‌توانستیم حدس بزنیم که حرکات فنی صحافان چگونه بوده است. زیرا چند مینیاتور که صحافان را نشان می‌دهد تنها به گونه‌ای سطحی کارگاه و ابزار موجود در آن را به نمایش می‌گذارد.<sup>۱۲۸</sup>

مهارت داشته‌اند و ما پیش از این به نمونه‌هایی از ایشان اشاره کردیم. حرفه علی بن محمد یعنی حرفه صحافی، کار نسخه برداری را از هر حیث تکمیل می‌کرد و ما نمی‌دانیم که آیا این شخص همواره به همین کار مشغول بوده است یا خیر. آگاهی از موقعیت این افراد چندان آسان نیست. زیرا همان‌گونه که پس از این خواهیم دید این افراد به ندرت کارشان را امضاء می‌کردند و اطلاعات مربوط به آنان عمدتاً از منابع و مآخذ ادبی به دست می‌آید. رساله‌هایی که به فن کتاب‌سازی می‌پردازند اطلاعات بسیار جزئی و نادر در این مورد در اختیار قرار می‌دهند.<sup>۱۲۹</sup> و بدین ترتیب اصولاً کتاب‌هایی که دیر هنگام‌تر در مورد خوش نویسان و نقاشان به رشته تحریر درآمده است به

۱۲۴. به منظور آگاهی از این ادبیات، نک:

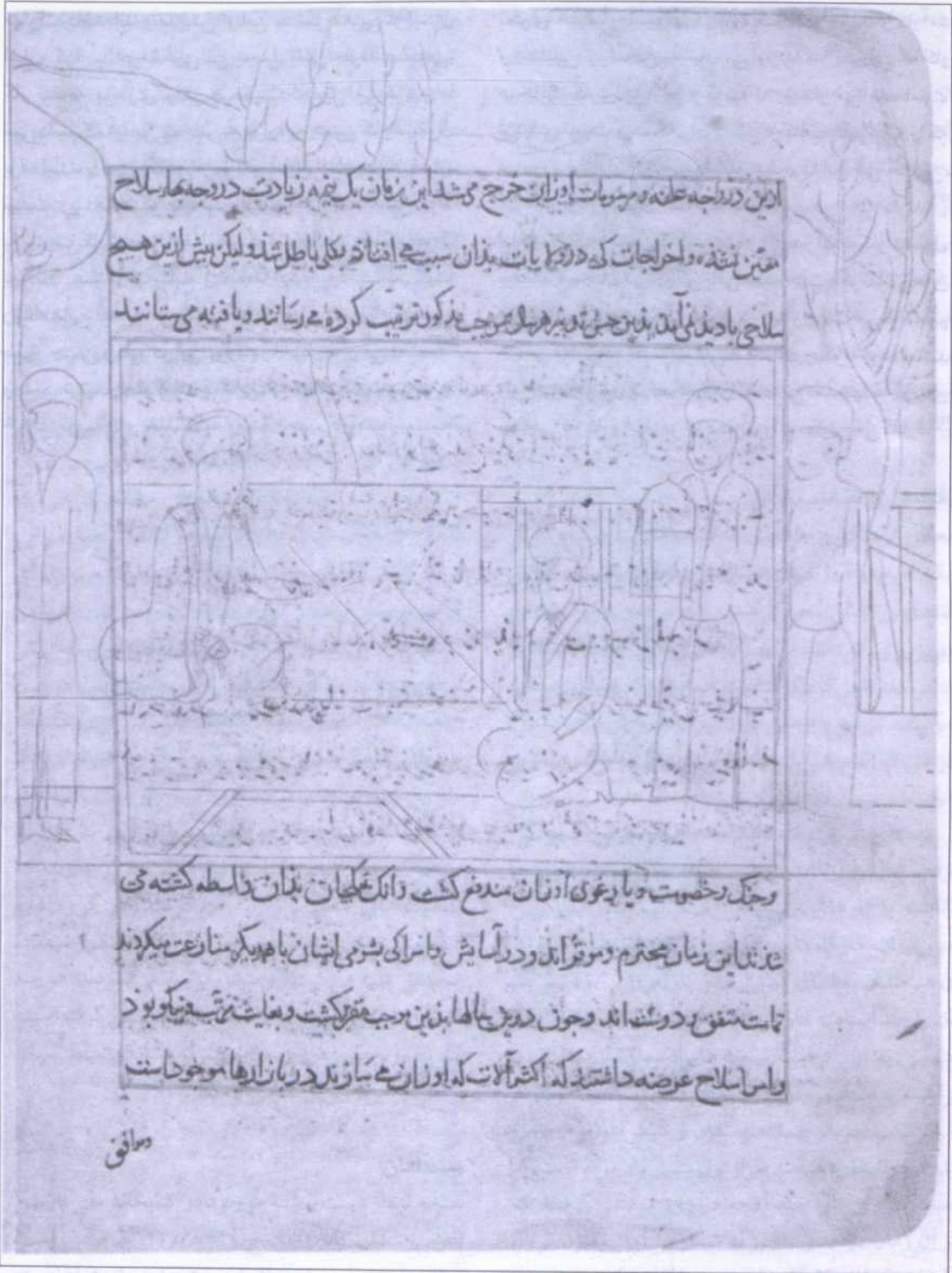
A. Gacek, "Arabic bookmaking and terminology as portrayed by Bakr al-Ishbīlī in his 'Kitāb al-taysīr fī sinā'at al-tasfīr'", *MME* 5, 1990-1991, p. 106-113.

۱۲۵. قاضی احمد، یادداشتی در مورد صحافی به نام مولانا قاسم بیگ تبریزی نگاشته است (نک: قاضی احمد، ترجمه و مینورسکی، همان، ص ۱۹۳-۱۹۴).

۱۲۶. ابن ندیم، کتاب الفهرست، تصحیح گ. فلوگل، لایپزیگ، ۱۸۷۱، ص ۱۰؛ تصحیح رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰/۱۹۷۱، ص ۱۲.

۱۲۷. نمونه پاره‌ای از نکات مربوط به صحافی در شیکاگو<sup>۱۹۸۱</sup>، ص ۴۵، تصویر ۵ و ص ۵۲، تصویر ۸ منتشر و چاپ شده است.

۱۲۸. Scribes، ص ۵۷ (نسخه پاریس، کتابخانه ملی، تکمله فارسی ۷۷۵، برگ ۱۵۲ پشت).



ازین در آنچه عظمه و مشروبات اوزان خرج می شد این زمان یک نیمه زیادت در وجهها سلاح  
 معین نفعده و اختراجات که در اوزان بدان سبب افتاد بکل باطل شد لیکن پیش ازین هیچ  
 سلاحی با دین نمی آمد بدین چنین بود هر سال بموجب مذکور تزیین کرده می رسانند و باقیه می ستانند

و بجز در خصوصت و یا رغوی اوزان مندرج کس دانگ علیان بدان واسطه کشته می  
 شد این زمان محترم و موثر اند و در آسایش و آسراکی بشری ایشان با هم دیگر مناعت می کردند  
 تا استفق در وقت اند و چون درین حالها بدین وجب فقر کشت و بغایت ترس می کردند  
 و امر سلاح عرضه داشتند که اکثر آلات که اوزان می سازند در بازارها موجود است

صافی

برگی از نسخه «جامع التواریخ» اثر رشیدالدین فضل الله همدانی، اواخر سده ۸ هجری، برگ ۱۱۱ (پاریس، کتابخانه ملی، فارسی ۱۵۶۱).